

گزارش

مانور در گلوگاه انرزی؛ پیام‌های آشکار و پنهان رزمایش ایران، روسیه و چین در تنگه هرمز

میدان نمایش قدرت یا خط قرمز جنگ جهانی

وحیده کریمی؛ در شرایطی که فضای امنیتی خلیج فارس و دریای عمان بار دیگر تحت تأثیر آرایش نظامی ایالات متحده قرار گرفته، گزارش شبکه خبری سی‌ان‌ان در آمریکا مبنی بر اینکه «جنگ بعدی ممکن است نه در مرکز تهران، بلکه در تنگه هرمز و خلیج فارس آغاز شود»، بار دیگر نگاه‌ها را به یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان معطوف کرده است. تنگه هرمز، این باریکه آبی که بخش قابل توجهی از انرژی جهان از آن عبور می‌کند، اکنون نه فقط یک گذرگاه اقتصادی، بلکه مرز باریکی میان صلح شکننده و بحران فراگیر تلقی می‌شود. هم‌زمان با استقرار ناوهای آمریکایی در منطقه و تشدید تهدیدهای نظامی علیه ایران، انتشار خبرهایی درباره برگزاری یک مانور دریایی و نظامی مشترک میان ایران، روسیه و چین در تنگه هرمز و دریای عمان، ابعاد تازه‌ای به معادلات امنیتی منطقه بخشیده است؛ مانوری که فراتر از جنبه‌های صرفاً نظامی، حامل پیام‌های راهبردی چندلایه برای بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است. براساس گزارش‌های مختلف تأییدنشده در شبکه‌های اجتماعی، ناوگان روسیه با حدود ۶۰ جنگنده عازم آب‌های ایران در دریای عمان و تنگه هرمز شده و ناوگان چین نیز در مسیر پیوستن به این رزمایش قرار دارد. این تحرکات در حالی صورت می‌گیرد که چین در سال‌های اخیر همواره کوشیده از ورود مستقیم به درگیری‌های نظامی در خاورمیانه پرهیز کند؛ منطقه‌ای که هر بحران در آن می‌تواند پیامدهایی زنجیره‌ای برای نظم جهانی به همراه داشته باشد. از همین‌رو، حضور هم‌زمان دو قدرت بزرگ شرقی در کنار ایران، آن‌هم در حساس‌ترین نقطه ژئوپلیتیکی جهان، چرخشی معنادار تلقی می‌شود و پرسش‌های جدی درباره اهداف واقعی، دامنه پیام‌ها و مخاطبان اصلی این مانور ایجاد می‌کند.

در آخرین ساعات پنجشنبه گذشته، «جان کمبرل»، مدیر اخبار ایران در خبرگزاری آسوشیتدپرس، مدعی شد ایران به کشتی‌های عبوری اطلاع داده است که در هفته آتی رزمایشی با مهمات واقعی در تنگه هرمز برگزار خواهد کرد. به گفته او، این اطلاعیه از طریق پیام‌های دریانوردی برای کشتیران‌ها ارسال شده و شامل برگزاری رزمایش در روزهای یکشنبه و دوشنبه است. کمبرل همچنین ادعا کرد که آسوشیتدپرس نسخه‌ای از این پیام را مشاهده کرده که نخستین بار توسط شرکت «EOS Risk Group» گزارش شده بود. در همین چارچوب، شبکه تلویزیونی الجزیره نیز به نقل از منابعی که آنها را ایرانی معرفی کرده، از انجام مانورهای مشترک دریایی ایران، چین و روسیه در دریای عمان و اقیانوس هند خبر داد. پایگاه پیام‌های العهد نیز گزارش مشابهی منتشر و اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران در روزهای پادشده رزمایش دریایی با گلوله جنگی در تنگه هرمز برگزار خواهد کرد. با وجود این حجم از گزارش‌ها، مقام‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران تاکنون واکنش رسمی به این ادعاها نشان نداده‌اند. فارغ از تایید یا تکذیب رسمی، نفس انتشار این اخبار در مقطع کنونی، خود حامل پیام است. تنگه هرمز به‌عنوان شاهراه عبور بخش مهمی از نفت و گاز جهان، همواره یکی از موفقه‌های اصلی بازدارندگی ایران در برابر فشارهای خارجی بوده است. اینکه این درای دو روز، عملاً کنترل نظامی این آبراه در اختیار نیروهای ایران، روسیه و چین قرار گیرد، می‌تواند تمرینی برای سنجش سناریوهای بحرانی تلقی شود؛ ازجمله سناریوی نام‌شدن یا حتی بسته‌ماندن تنگه هرمز در شرایط درگیری. چنین سناریویی پیامدهایی فراتر از مرزهای منطقه دارد و مستقیماً اقتصاد جهانی، بازار انرژی و ثبات سیاسی بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همین‌رو است که تنگه هرمز به باریکه‌ای تبدیل شده که عبور از آن می‌تواند یا به سمت مهار بحران و صلح نسبی منتهی شود یا منطقه را در مسیر یک تنش مهارنشده قرار دهد.

جراحی حضور چین و روسیه در این مقطع زمانی را نمی‌توان بدون درک چارچوب کلان روابط این دو کشور با ایران تحلیل کرد. به‌طور کلی، سیاست چین و روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران، ذیل سیاست تدبیر آنها نسبت به تهران تعریف می‌شود. هنوز روابط سه‌جانبه ساختاریافته و نهادینه‌ای میان ایران، چین و روسیه شکل نگرفته، مگر در حوزه‌هایی که برای پکن یا مسکو منفعت مستقیم و ملموس داشته است. در همین چارچوب بود که چین و روسیه در واکنش به تلاش تروئیکای اروپایی برای فعال‌سازی سازوکار اسنپ‌ک، همراه با ایران یک بیانیه رسمی مشترک در سطح وزرا خارجه خطاب به شورای امنیت صادر کردند؛ اقدامی که از منظر تاریخی اهمیت ویژه‌ای داشت؛ چراکه نشان می‌داد دو عضو دائم شورای امنیت با حق وتو، این سازوکار را خلاف مقررات بین‌المللی می‌دانند.

گام بعدی، ارسال نامه مشترک چین و روسیه به شورای حکام و دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود؛ نامه‌ای که در آن تأکید شده بود با پایان دوره ۱۰ساله قطع‌نامه ۲۳۳۱، پرونده ایران باید به روال عادی در شورای حکام بازگردد. این مواضع نشان می‌دهد حمایت پکن و مسکو از ایران، بیش از آنکه ناشی از تقابل مستقیم با غرب باشد، ریشه در تحولات حقوقی و سیاسی پس از برجام دارد.

پیش از پذیرش برجام از سوی ایران، چین و روسیه در موارد متعددی با آمریکا و اروپا همسو بودند و به قطع‌نامه‌های ضدایرانی رای می‌دادند؛ نه از سر هم‌راهی ایدئولوژیک با غرب، بلکه به این دلیل که ایران دارای سلاح هسته‌ای را تهدید می‌نمود. با القوه برای امنیت خود تلقی می‌کردند. با اجرای برجام و تأیید پایبندی ایران در ۱۵ گزارش آژانس، این نگرانی از نگاه آنها برطرف شد و مسیرشان، به‌ویژه پس از خروج دونالد ترامپ از برجام، از آمریکا جدا شد. حتی پیش از جنگ اوکراین نیز چین و روسیه دو قطع‌نامه ضدایرانی را وتو کردند؛ موضوعی که نشان می‌دهد تغییر موضع آنها الزاما محصول جنگ اوکراین نیست، بلکه ریشه در نظم حقوقی برجام دارد. با آغاز جنگ اوکراین، روسیه برای دورزدن تحریم‌های گسترده غرب، نیازمند تقویت همکاری با کشورهای همچون ایران شد و کریدورهای شمال- جنوب اهمیت بیشتری یافتند. در مورد چین اما باید توجه داشت که تقابل پکن و واشنگتن ماهیت جنگ سرد کلاسیک را ندارد، بلکه رقابتی ژئوپلیتیکی و اقتصادی است که در آن، چین همچنان صدها میلیارد دلار مبادله تجاری با آمریکا دارد. با این حال، پکن به‌خوبی می‌داند از دست دادن ایران به‌معنای واگذاری یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های انرژی و ژئوپلیتیک جهان به رقیب آمریکایی است؛ تجربه‌ای که پیش‌تر در ونزوئلا ندی برای چین به‌رینه بوده است. از این منظر، مانور مشترک دریایی ایران، روسیه و چین بیش از آنکه مقدمه ورود به یک درگیری نظامی باشد، تلاشی برای حفاظت از منافع راهبردی خود این کشورهاست. نه چین و نه روسیه حاضر نیستند برای ایران وارد جنگ مستقیم با آمریکا شوند و این واقعیتی است که حتی در بالاترین سطوح همکاری نیز نادیده گرفته نمی‌شود. حمایت آنها در سطح سیاسی، دیپلماتیک و نمادین باقی می‌ماند. با این حال، همین حضور نمادین در شرایطی که ناوهای آمریکایی با تهدید حمله نظامی در منطقه مستقر شده‌اند، حامل پیامی روشن است که تنگه هرمز تنها یک نقطه جغرافیایی نیست، بلکه محل تلاقی منافع حیاتی شرق و غرب است و هرگونه بحران در آن، هزینه‌ای جهانی خواهد داشت.

مهدی بازارگان؛ درحالی‌که این روزها شاهد افزایش تنش و اوج‌گیری دوباره نگرانی‌ها از احتمال درگیری نظامی میان ایران و آمریکا هستیم و کماکان گزینه جنگ روی میز است، ناگهان قطب‌نمای دیپلماسی به سمت ترکیه چرخید؛ چرخشی معنادار که نگاه‌ها را از فضای تهدید و ناوهای جنگی، به آنکارا و ظرفیت میانجیگرانه این کشور معطوف کرد. اکنون ترکیه در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند یکی از حساس‌ترین منازعات جاری در منطقه را از لبه تقابل نظامی به مسیر گفت‌وگو بازگرداند؛ مسیری باریک، پرریسک و زمان‌مند که هر خطای محاسباتی در آن می‌تواند هزینه‌های سنگینی به دنبال داشته باشد. نقطه آغاز این تغییر جهت، گزارشی بود که روزنامه «حریت» ترکیه در تیرت یک شماره پنجشنبه هفته گذشته خود منتشر کرد. این روزنامه به نقل از منابع آگاه از گفت‌وگوی تلفنی رجب طیب اردوغان و دونالد ترامپ خبر داد و نوشت رئیس‌جمهور آمریکا با برگزاری یک دیدار سه‌جانبه با حضور نمایندگان ایران، آمریکا و ترکیه در آنکارا موافقت کرده است. «حریت» با تیتَر «بایبید دیدار کنیم»، پیشنهاد اردوغان برای میزبانی نشستی با حضور کارشناسان نظامی و امنیتی سه کشور را بر چسبه کرد؛ پیشنهادی که در صورت تحقق، می‌تواند نخستین تلاش جدی برای مهار بحران در سطحی فراتر از تماس‌های غیرمستقیم باشد. البته که هنوز اما و اگرهای جدی در این‌باره مطرح است. هم‌زمان، صداسویمیای ایران نیز گزارش داد که اردوغان آمادگی خود را برای میزبانی از دونالد ترامپ و مسعود پزشکیان اعلام کرد و براساس همین گزارش، سفر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به ترکیه در این چارچوب قابل تحلیل است. در عمل، این روند با سفر دیروز جمعه عباس عراقچی به ترکیه وارد فاز اجرایی شد. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پیش‌ازظهر جمعه با استقبال رسمی مقامات ترکیه، ازجمله مدیرکل منطقه‌ای وزارت خارجه این کشور، وارد استانبول شد. این سفر یک‌روزه، علاوه بر گفت‌وگو با همتای ترک درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، شامل دیدار با رجب طیب اردوغان نیز بود. البته عراقچی در بدو ورود تأکید کرد که «این سفر از مدت‌ها قبل و در پاسخ به سفر چند ماه پیش وزیر امور خارجه ترکیه برنامه‌ریزی شده و هدف آن بررسی روابط دوجانبه و همچنین مسائل منطقه‌ای و جهانی است». مسئول سیاست خارجی کشورمان با اشاره به جایگاه ایران و ترکیه به‌عنوان دو همسایه بزرگ، بر استمرار مشورت‌های نزدیک میان دو کشور تأکید کرد و گفت: «روابط تهران-آنکارا در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نزدیک بوده و راینی‌های مستمری درباره مسائل منطقه‌ای جریان دارد».

هرچند وزیر خارجه ایران سعی داشت سفر خود را مستقل از تصاعد بحران با آمریکا قلمداد کند، اما نتوانست گریزی به این موضوع نزند و در عین حال، با اشاره به حساسیت شرایط کنونی منطقه، تصریح کرد که «اهداف مطرح‌شده از سوی آمریکا و برخی دیگر از بازیگران ایجاب می‌کند مشورت‌ها نزدیک‌تر شود. مواضع مرور و هماهنگ شود و راه‌های مواجهه با چالش‌ها و شیوه‌های بروزرفت از آنها بررسی شود». در ادامه این سفر، وزرای امور خارجه ایران و ترکیه طی یک نشست خبری مشترک، مواضع خود را درباره وضعیت ایران، روندهای منطقه‌ای و چشم‌انداز گفت‌وگوهای هسته‌ای با آمریکا تشریح کردند؛ مواضعی که در عین تأکید بر دیپلماسی، حاوی پیام‌های صریح و هشداردهنده نسبت به هرگونه مداخله خارجی و گزینه نظامی بود. هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، در این نشست با تأکید بر ضرورت یافتن راه‌حل‌های پایدار برای مسائل حل‌نشده ایران، تصریح کرد که این مشکلات باید «به‌صورت داخلی و توسط مردم ایران» حل‌وفصل شود و نه از مسیر مداخله خارجی. او با رد صریح سناریوی نظامی گفت: «مداخله نظامی نه در گذشته و نه در آینده به هیچ نتیجه مثبتی منجر نخواهد شد». فیدان، صلح و ثبات ایران را برای ترکیه «مهم» توصیف کرد و بار دیگر بر مخالفت آنکارا با هرگونه مداخله خارجی در ایران تأکید کرد. سکانداز سیاست خارجی ترکیه با اشاره به اهمیت ازسریگیری گفت‌وگوهای تهران و واشنگتن درباره برنامه هسته‌ای، گفت: «این مذاکرات می‌تواند نقش مهمی در کاهش تنش‌ها ایفا کند». او از ایالات متحده و ایران خواست اختلافات خود را از طریق مذاکره حل‌وفصل کنند و در عین حال هشدار داد که «اسرائیل، آمریکا را به انجام اقدام نظامی علیه ایران تحریک می‌کند». فیدان ابراز امیدواری کرد که «ایالات متحده به ایران حمله نکنند» و اعلام کرد ترکیه ارتباطات خود با واشنگتن درباره ایران را ادامه خواهد داد. به گفته او، پنجشنبه گذشته با «وینکاف» گفت‌وگو کرده و راینی‌ها با مقامات آمریکایی در این زمینه تداوم خواهد داشت.

در این نشست با اشاره به نقش اسرائیل در تحولات اخیر،

گفت که این رژیم برای دستیابی به «اهداف نامشروع» خود

از نظریه‌های توطئه پیروی می‌کند. او تأکید کرد که ایران از

دیپلماسی برای یافتن راه‌حل همه مسائل منطقه‌ای حمایت

می‌کند، اما «هیچ‌گونه تهدید نظامی» را نخواهد پذیرفت.

عراقچی تصریح کرد که ایران مصمم است از خود، ثبات داخلی و ثبات منطقه حفاظت کند و در برابر فشارهای خارجی تسلیم نشود. مسئول دیپلماسی ایران با اعلام آمادگی تهران برای ورود مجدد به مذاکرات هسته‌ای، تأکید کرد که هرگونه گفت‌وگو باید «عادلانه» و مبتنی بر «احترام متقابل» باشد و نمی‌تواند با تهدید آغاز شود. او بار دیگر یادآور شد که ایران هرگز به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و این سلاح‌ها جایگاهی در محاسبات امنیتی کشور ندارند. عراقچی در عین حال خط قرمز تهران را به‌روشنی ترسیم کرد و گفت: «موشک‌های ایران و سیستم دفاعی ایران هرگز موضوع هیچ مذاکره‌ای نخواهند بود». در بخش مهمی از سخنان عراقچی او خبر داد که «هنوز برنامه‌ای برای دیدار با مقامات آمریکایی تنظیم نشده، اما ایران برای فراهم‌شدن مقدمات یک مذاکره منصفانه آمادگی دارد و درباره محل و موضوع گفت‌وگوها، راینی‌های مثبتی با همتای ترک انجام شده است».

عباس عراقچی در ادامه نشست خبری با همتای ترک خود این را هم بیان کرد که «در حال حاضر هیچ برنامه‌ای برای دیدار یا گفت‌وگو با مقام‌های آمریکایی وجود ندارد، اما تأکید کرد «ترکیه و برخی کشورهای دیگر در حال کار روی یک «چارچوب» برای مذاکرات احتمالی هستند». به ادعای عراقچی، با هاکان فیدان درباره محل احتمالی و دستور کار گفت‌وگوها با دولت ترامپ راینی کرده است و در عین حال افزود: «امیدوارم به‌زودی بتوانیم به یک چارچوب روشن برسیم که مذاکراتی با کرامت و شان را تضمین کند». البته او این را هم گفت که «ابتدا باید شرایط و دستور کار را ببینیم» و اضافه کرد هرگونه مذاکره‌ای باید «منصفانه و عادلانه» باشد. وزیر خارجه خاطرنشان کرد: «درباره محل گفت‌وگوها و موضوع گفت‌وگوها امروز صحبت‌های بسیار خوبی را با آقا فیدان داشتیم».

تماس پزشکیان اردوغان

هم‌زمان با این تحرکات، تماس تلفنی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران و رجب طیب اردوغان نیز بر وزن دیپلماتیک این تحولات افزود. در این گفت‌وگو که پیش‌ازظهر جمعه ۱۰ بهمن ۱۴۰۴ انجام شد، دو رئیس‌جمهور ایران و ترکیه آخرین تحولات منطقه را به تفصیل بررسی کردند و بر ضرورت راهکارهای دیپلماتیک، تعامل‌محور و مبتنی بر گفت‌وگو برای حل‌وفصل مسائل تأکید داشتند. پزشکیان با اشاره به سیاست «دیپلماسی عزتمندانه» جمهوری اسلامی ایران، تصریح کرد که رویکرد تهران مبتنی بر گفت‌وگو، احترام متقابل و نفی تهدید و زور است و موفقیت هر ابتکار دیپلماتیک مستلزم ایجاد اعتماد متقابل و کنارگذاشتن اقدامات جنگ‌افروزانه است. دفتر ریاست‌جمهوری ترکیه نیز اعلام کرد که اردوغان در این تماس، آمادگی کشورش را برای ایفای نقش تسهیلگر میان ایران و آمریکا اعلام کرده و حتی پیشنهاد برگزاری ویدئوکنفرانسی میان رؤسای جمهور دو کشور را مطرح کرده است.

گفتنی است مسعود پزشکیان عصر روز پنجشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۴ در گفت‌وگوهای تلفنی جداگانه با «شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی»، امیر قطر و «شهbaz شریف»، نخست‌وزیر پاکستان، درباره آخرین تحولات منطقه در پی اقدامات تنش‌آفرین و بی‌ثبات‌ساز آمریکا به تبادل نظر پرداخت. پزشکیان در این گفت‌وگوها ضمن قدردانی از حمایت‌های همیشگی و برادرانه دو کشور دوست و برادر قطر و پاکستان، بر رویکرد اصولی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از دیپلماسی عزتمندانه مبتنی بر حقوق بین‌الملل، مواضع برابر، پرهیز از تهدید و زورگویی و پیگیری نتایج برد-برد تأکید و درعین‌حال تصریح کرد «اگر طرف آمریکایی واقعا به دنبال مذاکره و دیپلماسی واقعی است، باید از این‌گونه اقدامات تحریک‌آمیز و تنش‌زا دست برداشته و در عمل پایبندی خود به مسیر گفت‌وگو را اثبات کند». پزشکیان با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده و از درگیری استقبال نمی‌کند، خاطرنشان کرد: ما معتقدیم جنگ و درگیری به نفع هیچ طرفی نیست و بر مسیر تعامل و دیپلماسی تأکید داریم؛ با این حال، اجازه نخواهیم داد همانند تجارب گذشته، در حین مذاکره مورد تهدید یا تعرض قرار بگیریم و از کشور و ملت خود مقتدرانه دفاع خواهیم کرد.

البته همچنان نگرانی کشورهای منطقه از هرگونه جنگ بین تهران و واشنگتن پابرجاست. در جدیدترین مورد عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، در جریان بازدید از آکادمی نظامی این کشور هشدار داد: «درباره بحران میان ایران و آمریکا ما تلاش زیادی می‌کنیم تا به مذاکره برای کاهش تشدید تنش دست یابیم. اما اگر جنگی رخ بدهد، پیامدهای بسیار خطرناکی برای منطقه ما خواهد داشت. این پیامدها شامل پیامدهای اقتصادی نیز خواهد بود».

تداوم سایه سنگین تهدید

این تحرکات دیپلماتیک در شرایطی صورت می‌گیرد که فضای تهدید همچنان بر منطقه سایه انداخته است. «پاتریک وینتور»، دبیر دیپلماتیک گاردین، مدعی شد اردوغان در تماس

با ترامپ از آمریکا و ایران خواسته همین هفته برای مذاکرات هسته‌ای به ترکیه بیایند؛ هرچند به گفته او، هیچ‌یک از دو طرف بدون شفافیت دستور کار و امتیازدهی وارد این روند نشده‌اند. هم‌زمان، منابعی که با «میدل‌ایست‌آی» گفت‌وگو کرده‌اند، از تهدید ترامپ به اقدام نظامی در روزهای آینده خبر داده‌اند؛ تهدیدهایی که با اظهارات مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا درباره اعزام ناوهای «بزرگ و قدرتمند» به سمت ایران تکمیل شد. در همین راستا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، طی اظهاراتی بیان کرد: «کشتی‌های بزرگ و قدرتمندی به سوی ایران در حرکت‌اند و امیدوارم نایز به استفاده از آنها نباشد».

البته تلگراف به نقل از منابع نزدیک به رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: «ترامپ همچنان آماده یافتن یک راه‌حل دیپلماتیک با ایران است». این منابع افزودند: «ترامپ اذعان کرده که تهدید به اقدام نظامی برای واردآوردن فشار بر تهران جهت مذاکره بوده است». در این میان، مواضع داخلی ایران نیز بر محور دیپلماسی مشروط و مبتنی بر تضمین تأکید دارد. محمدباقر

قالیباش، رئیس مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان تصریح کرد: «ایران اصل گفت‌وگو را رد نمی‌کند، اما دیپلماسی باید واقعی، متوازن و دارای تضمین باشد». او تأکید کرد که «گفت‌وگو در سایه تهدید و جنگ راهگشا نیست و بدون تضمین حقوق و منافع مردم ایران، مذاکراتی در کار نخواهد بود». هم‌زمان، یک مقام ایرانی بدون ذکر نام در گفت‌وگو با وال‌استریت ژورنال اعلام کرد «تهران از حق غنی‌سازی عقب‌نشینی نمی‌کند و هرگونه حمله آمریکا را تهدید می‌کند و وجودی تلقی کرده و با حداکثر قدرت پاسخ خواهد داد».

در کنار این مواضع، گزارش سی‌ان‌ان از تبادل پیام‌های محدود میان تهران و واشنگتن، ازجمله از طریق عمان، نشان می‌دهد که کانال‌های ارتباطی کاملاً مسدود نشده‌اند، هرچند هنوز به گفت‌وگوی مستقیم و جدی منجر نشده‌اند. ادعای اسپیوس درباره نشست آمریکا با مقامات دفاعی و اطلاعاتی اسرائیل و عربستان نیز گویای نگرانی شدید بازیگران منطقه‌ای از احتمال یک جنگ فراگیر است؛ نگرانی‌ای که به نظر می‌رسد یکی از محرک‌های اصلی تلاش ترکیه برای ایفای نقش میانجی باشد.

راه‌حل ترکیه چیست؟

مجموع این تحولات نشان می‌دهد که دیپلماسی، هرچند شکننده، زمان‌مند و در معرض فرسایش، هنوز به‌طور کامل از صحنه معادلات منطقه‌ای کنار نرفته است. در میانه فضایی آکنده از تهدید، نمایش قدرت نظامی و فشارهای حداکتری، آنکارا تلاش می‌کند از فاصله باریک میان «تقابل» و «مذاکره»، روزنه‌ای برای مدیریت بحران بشکاید؛ روزنه‌ای که سرنوشت آن می‌تواند بر یکی از پریسک‌ترین مواجهه‌های جاری در خاورمیانه از تعیین‌کننده بگذارد. با این حال، پرسش کلیدی همچنان پابرجاست که ترکیه با چه ابتکاری می‌تواند شکاف عمیق میان مطالبات آمریکا و خطوط قرمز ایران را کاهش دهد؟

در شرایطی که چهار مطالبه اصلی واشنگتن مشتمل بر «توقف کامل غنی‌سازی در ایران، خروج مواد غنی‌شده، محدودسازی توان موشکی و قطع حمایت از گروه‌های نیابتی» همچنان بر میز فشار قرار دارد و تهران نیز هیچ‌یک از این شروط را نپذیرفته، آنکارا ظاهراً به دنبال بازتعریف صورت‌مسئله است، نه حل یکپاره همه اختلافات. به این معنا که باید گام‌به‌گام پیش رفت. این رویکرد را می‌توان در مصاحبه اخیر هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، با الجزیره ردیابی کرد؛ جایی که او با صراحت هشدار داد که حمله نظامی آمریکا به ایران «اشتباه» خواهد بود و هم‌زمان از واشنگتن خواست پرونده‌های اختلافی با تهران را «مرحله به مرحله» و «یکی‌یکی» حل‌وفصل کند. منطق این پیشنهاد مبتنی بر اولویت‌بندی بحران‌هاست؛ به این معنا که آمریکا و ایران به جای ورود هم‌زمان به همه پرونده‌های مناقشه‌برانگیز، ابتدا بر حساس‌ترین و فوری‌ترین موضوع، یعنی پرونده هسته‌ای تمرکز کرده و دیگر اختلافات را به مراحل بعدی گفت‌وگو موکول کنند. از نگاه آنکارا، چنین رویکردی می‌تواند هم از شدت تنش فوری بکاهد و هم امکان بازسازی حداقلی اعتماد را فراهم کند؛ امری که بدون آن، هر ابتکار دیپلماتیکی محکوم به شکست است.

در همین چارچوب، برخی ادعاهای تأییدنشده نیز مطرح شده است مبنی بر اینکه آمریکا که از طریق کانال ترکیه، از ایران خواسته در ازای جلوگیری از اقدام نظامی مستقیم، بخشی از ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود در حدود ۴۰۰ کیلوگرم را تحویل دهد. صرف‌نظر از صحت یا سقم این ادعا و نیز برخی اخبار که واشنگتن با زباده‌خواهی خود به همین پیشنهاد هم بسنده نکرده است، طرح چنین گزینه‌هایی نشان می‌دهد که نقش ترکیه بیش از میانجیگری نمادین، به طراحی بسته‌های حداقلی برای مهار بحران نزدیک شده است. با این‌همه، موفقیت این مسیر به میزان اعتداف‌پذیری طرفین و پذیرش منطق «گام‌به‌گام» وابسته است. آنکارا می‌کوشد دیپلماسی را از فروغلتیدن به نقطه بازگشت نجات دهد. اما زمان، مهم‌ترین و در عین حال محدودترین متغیر این معادله است.

خبر

واکنش ستاد کل نیروهای مسلح به افزودن سپاه پاسداران به لیست تروریسم:

بی‌منطق، غیرمسئولانه و تحریک‌آمیز

اقدام اخیر اتحادیه اروپا در قراردادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی، با واکنش گسترده مقام‌های سیاسی و نظامی ایران همراه شده و به یکی از محورهای تنش‌زای تازه در روابط تهران و بروکسل تبدیل شده است. پنجشنبه گذشته کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که وزیران امور خارجه کشورهای عضو، «گامی قاطع، برداشته و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده‌اند؛ تصمیمی که بلافاصله از سوی جمهوری اسلامی ایران اقدامی سیاسی، غیرقانونی و مغایر با اصول حقوق بین‌الملل توصیف شد.

مقام‌های ایرانی با تأکید بر اینکه سپاه پاسداران یک نهاد رسمی نظامی کشور است، این اقدام اتحادیه اروپا را نقض صریح منشور سازمان ملل متحد و اصول حاکم بر احترام به حاکمیت ملی کشورها دانسته‌اند. پیش از این نیز تهران درباره آنچه «تحرکات ضد ایرانی اروپا» به‌ویژه در قبال سپاه پاسداران خوانده می‌شد، هشدار داده بود و پیامدهای چنین تصمیم‌هایی را متوجه طرف اروپایی می‌دانست.

در همین راستا، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با انتقاد تند از تصمیم اتحادیه اروپا، در پیامی در ایکس نوشت: «درحال‌حاضر چندین کشور تلاش می‌کنند از شعلهورشدن یک جنگ تمام‌عیار در منطقه ما جلوگیری کنند، اما جالب است که هیچ‌یک از این کشورها اروپایی نیستند». او با اشاره به پیگیری سازوکار «اسنپ‌ک» به درخواست ایالات متحده، افزود که اروپا با قراردادن نیروهای مسلح ایران در فهرست به‌اصطلاح سازمان‌های تروریستی، «یک اشتباه راهبردی بزرگ و بزرگ‌ترین اشتباه است. عراقچی همچنین برخورد اروپا را «گزینه‌شی اسما جالب است که توصیف کرد و گفت درحالی‌که اتحادیه اروپا در برابر آنچه او «نسل‌کشی اسرائیل در غزه» خواند، اقدامی انجام نمی‌دهد، با شتاب مدعی دفاع از حقوق بشر در ایران می‌شود. به گفته وزیر خارجه ایران، این رویکرد بیش از هر چیز تلاشی برای پوشاندن افول نقش و جایگاه اروپا در تحولات منطقه‌ای است و در نهایت می‌تواند به منافع خود اروپا، ازجمله در حوزه انرژی آسیب بزند.

اسماعیل بقالی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز با تأکید بر جنبه حقوقی موضوع، برجسب‌زنی به بخشی از نیروهای مسلح رسمی یک کشور را خلاف اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و از نظر سیاسی «سنجیده و پرتبعات» دانست. او گفت جمهوری اسلامی ایران این حق را برای خود محفوظ می‌داند که به چنین اقدامی واکنش متقابل نشان دهد.

واکنش‌ها به سطح دولت محدود نماند؛ محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در پیامی در ایکس نوشت که سپاه پاسداران «یکی از قوی‌ترین و مؤثرترین نیروهای ضدتروریستی در دنیاست» و انکار نقش آن در مبارزه با داعش را تنها کسانی می‌توانند انجام دهند که «در سمت تروریست‌ها ایستاده باشند». او هشدار داد که حمایت از تروریسم «نتیجه‌ای جز پشیمانی» برای کشورهای اروپایی نخواهد داشت. ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز با صدور بیانیه‌ای، این تصمیم اتحادیه اروپا را «بی‌منطق، غیرمسئولانه و تحریک‌آمیز» خواند و اعلام کرد تبعات خطرناک آن مستقیماً متوجه سیاست‌گذاران اروپایی خواهد بود. در این بیانیه تأکید شده که سپاه پاسداران نهادهای قانونی و برخاسته از متن مردم ایران است و همواره در خط مقدم مقابله با گروه‌های تروریستی، ازجمله داعش، قرار داشته است. ستاد کل نیروهای مسلح، اقدام اتحادیه اروپا را مغایر قوانین و مقررات بین‌المللی دانسته و هشدار داده است که چنین تصمیم‌هایی می‌تواند به تشدید تنش‌ها و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه منجر شود.